

دکتر عزت الله نگهبان

گرد آوری : یگانه مقدم و بابک مغازه ای

« دو تن از هم وندان هیئت راهبري انجمن ایران شناسي کهن دژ »

چهاردهم بهمن ماه روز تلخي براي جامعه باستان شناسي ایران بود و علاقه مندان به شناخت تاريخ ایران زمین پس از در گذشت بزرگاني همچون پرويز ورجاوند , علي سامي , مسعود آذر نوش و بسياري ديگر از پيشگامان اين عرصه در سالهاي گذشته , در اين روز براي هميشه با زنده ياد دکتر عزت الله نگهبان يکي ديگر از اساتيد برجسته رشته باستان شناسي و پدر باستان شناسي نوين ایران بدرود گفتند .

نگاهي کوتاه به زندگي نامه استاد :

زنده ياد عزت الله نگهبان که در سال ۱۳۰۰ شمسي در اهواز به دنيا آمد تحصيلات خود را در دبستان جمشيد جم , دبیرستان فيروز بهرام و مدرسه فني آلماني در تهران به پايان برد و در سال ۱۳۲۸ در رشته باستان شناسي از دانشگاه تهران فارغ التحصيل شد او در سال ۱۳۲۹ به آمريکا عزيمت نموده و تحصيلات خود را تا مقطع دکترا در دانشگاه شيکاگو ادامه داد و به پيشنهاده استاد خود رونالد مک کان به بررسي سير سفال نخودي رنگ در منطقه خوزستان پرداخت و اطلاعات بسياري در اين زمينه جمع آوري کرد که حاصل آن را در نهايت در رساله خود تدوين نمود و پس از بازگشت به ایران به مقام استادي در دانشگاه تهران دست يافت و در سال ۱۳۳۶ موسسه باستان شناسي دانشگاه تهران را بنياد گذاشت و تا ۱۳۵۶ عهده دار رياست آن بود او همزمان با استادي در دانشگاه تهران معاون اداره کل باستان شناسي نيز بود , مرحوم نگهبان در سال ۱۳۴۷ به عنوان مدير گروه باستان شناسي دانشگاه تهران برگزيده شد و توانست تاثيرات مهمي را از خود بر جاي بگذارد . به صورتي که پايان مديريت او در اين سمت گروه باستان شناسي و تاريخ

هنر علاوه بر او ، داراي کادر آموزشي شامل :خانم سيمين دانشور، نوشين نفيسي، پرويز ورجاوند، عباس زماني، رضا مستوفي فرد، فرخ ملک زاده، صادق ملک شهميزادي، غلامعلي همايون، يوسف مجيد زاده فسقنديسي، غلامعلي شاملو، مسعود گلزاري، اردشير فرزاتگان بود و سرانجام در سال ۱۳۵۱ مدير دانشکده ادبيات دانشگاه تهران شد ماجراي علاقه او به باستان شناسي موضوع جالبي است که خود استاد در اين باره چنين مي فرمودند: "در زمان تحصيل در مدرسه آلماني از آنجا که اين مدرسه در خيابان قوام السلطنه و در مقابل کتابخانه ملي و موزه ايران باستان در محل هنر سراي فعلي قرار داشت ساختمان جديد الاحداث موزه ايران باستان و کتابخانه ملي در تهران آن زمان بسيار جلب توجه مي کرد در ضمن تحصيل در مدرسه آلماني هر گاه که فرصتي پيش مي آمد براي ديدن موزه ايران باستان مي رفتم در آن زمان کار ساختمان موزه به اتمام رسيده بود و در سالن هاي موزه، کارکنان اغلب به تنظيم قفسه ها مي پرداختند به خصوص ظهرها که مدرسه براي مدت دو ساعت تعطيل بود بيشتر اوقات به ديدن موزه مي رفتم اين ديدارهاي مکرر از موزه ايران باستان به ويژه در آن هنگام که توام با تکميل و تنظيم نمايشگاه و قفسه ها بود به تدريج مرا سخت به آثار باستاني و تاريخ گذشته ايران که در آن هنگام موضوع روز بود علاقه مند کرد پس از آنکه در دبیرستان فيروز بهرام به ادامه تحصيل پرداختم با وجودي که امکان نداشت مانند گذشته گاه و بيگاه از موزه ديدن کنم ولي چون فاصله دبیرستان تا موزه چندان زياد نبود باز هم، هر چند وقت يك بار براي ديدن موزه مي رفتم. در سال هاي آخر دبیرستان تحت تاثير احساسات ملي و ميهني نسبت به روشن کردن گذشته پر افتخار ايران و تاريخ درخشان آن فعاليت هاي دامنه داري در کشور در جريان بود و دانش هاي وابسته و مربوط به ايران شناسي و فرهنگ و تمدن باستاني ايران بسيار مورد توجه قرار گرفت با سابقه و علاقه اي که در ضمن ديدارهاي مکرر از موزه ايران باستان نسبت به آثار گذشته داشتم پس از اخذ ديپلم دبیرستان تصميم گرفتم در رشته باستان شناسي دانشکده ادبيات دانشگاه تهران براي ادامه تحصيل نام نويسي کنم"

تربيت بسياري از اساتيد برجسته باستان شناسي ايران :

روانشاد نگهبان در دوران حيات پربار خویش به تربيت دانشجويان بسياري که برخي از آنان همچون پرويز ورجاوند، سيف اله کامبخش فرد، صادق ملک شهميزادي، يوسف مجيدزاده، مهدي رهبر، ميرعابدين کابلي، محمود موسوي، علي اکبر سرفراز ، مسعود آذر نوش ، حميد

خطیب شهیدی (مدیر گروه باستان شناسی دانشگاه تربیت مدرس)، سید منصور سجادی (استاد دانشگاه رم و سرپرست هیات کاوش در شهر سوخته)، جلال رفیع فر (مدیر گروه سابق انسان شناسی دانشگاه تهران)، محمد صالح صالحی، حکمت الله ملا صالحی (استاد دانشگاه تهران) و عباس عزیزاده (استاد دانشگاه شیکاگو) در سالهای بعد در زمره اساتید این رشته به فعالیت مشغول شدند. همت گمارد هر چند که گاه در راه تربیت این دانشجویان به علت سبک خاص کاری خود و پشتکاری که در انجام کار داشت با مشکلاتی برخورد می کرد که یکی از آن موارد که خود او خاطره ای را در این باب نقل کرده است بسیار آموزده بوده و نشان دهنده این موضوع است که موفقیت اتفاقی نبوده و افراد موفق از ابتدا زمینه و تلاش لازم را در این زمینه داشته اند. در این باب استاد درباره سفر تحقیقاتی به شوش چنین نقل می کند که «بر خلاف همه ساله که یک اتوبوس در بست برای تمام مسافرت کرایه می شد چون در این برنامه قرار بود مستقیماً به شوش مسافرت شود تصمیم گرفته شد با قطار مسافرت را انجام داده و با استفاده از بلیت نیم بها برای دانشجویان، در هزینه مسافرت صرفه جویی شود و توان مالی هیات را در مدت اقامت در شوش افزایش دهیم... دانشجویان را به شهر دزفول بردیم و از آن جا با وانت به طرف شوش حرکت کردیم. از همان روز برنامه کار تنظیم و قرار شد هر شب نهار روز بعد را برای هیات تهیه کنند تا بتوانیم تمام روز در بیابان و صحرا به کار باستان شناسی مشغول باشیم، دو سه روز اول کلیه دانشجویان با علاقه در تپه ها به نقشه برداری، جمع آوری سفال، کلاسه کردن سفال های گوناگون و شناخت سفال دوران های گذشته مشغول شدند، از روز چهارم بعضی از دانشجویان شروع به زمزمه کردند که علاوه بر کارهای یکنواخت همه روزه چه خوب بود اگر سری هم به شهرهای اهواز و خرمشهر و آبادان نیز می زدیم اعتراض ها بالا گرفت، تا اینکه روز بعد دانشجویان در حالتی شبیه به اعتصاب و اعتراض از کاوش دست کشیدند من با آنها صحبت کردم ولی چون موفق نشدم اقناعشان کنم، گفتم: آنهایی که نمی خواهند از این برنامه پیروی کنند می توانند خودشان از فردا به هر کاری که علاقمندند اقدام کنند. اکثریت دانشجویان از ادامه کار خودداری کرده و بر روی آثار مخروبه در کنار یکدیگر نشستند... خوب بخاطر دارم تنها دانشجویی که بدون شک و تردید در ادامه کار با من همگامی کرد، همکار عزیز آقای دکتر «پرویز ورجاوند» بودند که در آن هنگام در رشته باستان شناسی تحصیل می کردند.»

تالیفات پاسبان تاریخ کهن سرزمینمان :

آن زنده یاد تالیفات و مقالات گونانی را در رابطه با باستان شناسی و تاریخ ایران به رشته تحریر در آورده است که از این جمله می توان به تالیف کتاب ارزشمند مروری بر پنجاه سال باستان شناسی ایران ، کتابهای فلزات مارلیک ، گزارش کامل کشفیات مارلیک، و گزارش کاوشهای هفت تپه و انتشار بیش از ۷۰ مقاله علمی اشاره نمود.

اشاره به برخی کاوشهای نگهبان تمدن ایران زمین :

وی از جمله اولین ایرانیانی بود که اقدام به حفاری و کاوش علمی و باستان شناسی نوین در ایران نمود و یکی از بزرگترین افتخارات او کشف بیشترین میزان طلا در اکتشافات باستان شناسی ایران است او در این راه کاوش مناطق تاریخی همچون آغاز بررسی های باستان شناسی رودبار و شناسایی تپه مارلیک در گیلان ۱۳۴۰ را به انجام رساند و نمایشگاهی از آثاری که شامل تعداد زیاد جام های زرین و سیمین بانقوش برجسته و زیبا و تزییناتی از صحنه های خیالی و موجودات افسانه ای، ظروف سفالی، سلاح های مفرغی، ظروف بدل چینی، شیشه های و دیگر شاهکارهای هنری بود که برگ زرینی از تاریخ و تمدن ایران به شمار می رود را در ۱۳۴۱ در ساختمان موزه ایران باستان ترتیب داد که در نوع خود بی نظیر بود .

کاوش پيله قلعه گیلان ۱۳۴۱ ، زینب بیجار و قشلال گیلان (با همکاری ج بایستی) ، علی کرم باغ گیلان (با همکاری س کامبخش فرد) ، تپه زاغه ، تپه قبرستان و سگزآباد در دشت قزوین (و در نهایت ایجاد کارگاه دائمی باستان شناسی در دشت قزوین برای تربیت دانشجویان که مطالعات او در این منطقه موجب اصلاح جدول گاهنگاری فرهنگی ادوار پیش از تاریخ فلات مرکزی ایران شد)، کسب مجوز و بودجه لازم برای تعمیر کاروانسرای مخروبه محمدآباد خره و تبدیل آن به کانونی برای پژوهش های مستمر و درازمدت باستان شناسی دانشگاه تهران که در این مکان بسیاری از دانشجویان به خوبی تربیت شدند ، کاوشهای قیطریه ، دعوت اتفاقی از رابرت بریدوود و همکاری او به ایران که نقشی اساسی در گشودن فصلی جدید و علمی در باستان شناسی پیش از تاریخ ایران ایفا کرد که دلیل این دعوت اتفاقی به این شرح است که در سال های ۱۹۵۰، رابرت بریدوود، پیشتاز پژوهش های علمی درباره دوران پلاستوسین موخر و هولوسین قدیم (۸۰۰۰ _ ۱۲۰۰۰ ق.م) سرگرم فعالیت های باستان شناسی در کردستان عراق بود. با سقوط رژیم

پادشاهی در عراق در اواخر سال‌های ۱۹۵۰، ادامه کار پژوهشی بریدوود و تیمش ناممکن شد و درخواست بریدوود برای پژوهش در ترکیه نیز به جایی نرسید. سپس در ۱۹۵۸ در کنگره بین‌المللی باستان‌شناسی پیش از تاریخ در هامبورگ، نگهبان و بریدوود با یکدیگر ملاقات کردند در این ملاقات، دکتر نگهبان از مشکل بریدوود مطلع شد و پیشنهاد کرد که وی کار خود را در کوهپایه‌های زاگرس در ایران ادامه دهد. این ملاقات اتفاقی و استقبال بریدوود از این پیشنهاد سرآغاز عصری جدید در باستان‌شناسی ایران بود که در نتیجه آن گروهی از بهترین باستان‌شناسان بین‌المللی (مانند فرانک هول، کنت فلانری، پتی جو واتسون، بروس هاو) فعالیت‌های علمی خود را در ایران متمرکز کردند، کاربرد روی منطقه باستانی هفت تپه که باعث نجات این آثار از تخریب و غارت شد چرا که طرح کشت نیشکر می‌رفت که آثار موجود در این منطقه را برای همیشه از بین ببرد ولی حضور نگهبان مانع از این فاجعه فرهنگی شد، بررسی شمال خراسان، ابوفندوا در خوزستان، ... از جمله مهمترین آنهاست.

برخی دیگر از کوشش‌های استاد:

او در این سالها ۲۰ واحد درسی عملی از جمله دوره‌های کار روی زمین را برای دانشجویان باستان‌شناسی ایجاد کرد و تحویلی جدید در درس باستان‌شناسی دانشگاه تهران به وجود آورد تا حدی که در سال تحصیلی ۱۳۵۰-۱۳۴۹ در دانشگاه تهران، گروه آموزشی باستان‌شناسی و تاریخ هنر و موسسه باستان‌شناسی دانشگاه تهران دست به اقدام بی‌سابقه‌ای زد که در نوع خود منحصر به دانشگاه تهران است. این اقدام بی‌نظیر، الزامی کردن درس عملی به مدت یک نیمسال کامل تحصیلی برای کلیه دانشجویان اعم از دختر و پسر در برنامه درسی در مقاطع تحصیلی دوره لیسانس و فوق لیسانس بود.

روانشاد نگهبان علاوه بر کوشش‌های گسترده در راه گسترش علمی باستان‌شناسی در ایران یکی از اولین کسانی بود که با قاچاق اشیاء عتیقه و باستانی در ایران به مخالفت جدی پرداخت و نقش بسزایی را در قانونی شدن این موضوع ایفا نمود در این زمینه او با ارائه مقاله در سال ۱۳۴۷ در پنجمین کنگره بین‌المللی باستان‌شناسی و هنر ایران ماده‌ای را پیشنهاد کرد که بر اساس آن خرید و فروش اشیای باستانی به صورت غیرمجاز و از طریق قاچاق ممنوع اعلام شود و کنگره را ملزم به صدور قانونی در این زمینه نمود.

وچنان که همگان اعتقاد دارند استاد نگهبان را به واقع می توان پدر باستان شناسی ایران دانست چراکه او در تمامی زمینه های این علم از کوشش در محوطه های باستانی گرفته تا تدریس و اداره گروه باستان شناسی دانشگاه تهران و ایجاد دروس جدید در این رشته و حتی ارتباطی سازنده با دیگر اساتید به نام این رشته از جمله فرد مشهوری همچون بریدوود و در نهایت دفاع از میراث فرهنگی و جلوگیری از قاچاق گسترده این آثار به خارج کوشا بود .

باشد تا فرزندان این سرزمین به عنوان شاگردانی کوشا و رهروانی پویا ادامه دهنده راه او باشند
نامش جاودان و راهش پر رهرو باد

۱۷ بهمن ماه ۱۳۸۷ خورشیدی

